

Nr.7 November-Dezember 1996

ده یری ۱,۵ مارک (۱ دلار)

آذربایجان سسی

Aserbajdschan Sasi

unabhängige politische und kulturelle Zeitung

۱۳۷۵ سای ۷

دوغمادان دوغماسان ای آنا یوردوم،
یولوندا باشیما ، جانیملا دوردوم،
سینه نده ابدی بیری یووا قوردوم،
دولانیم باشینا ، بیره ده دولانیم .
منیم عمروم ، کونوم آذربایجانیم .

جای پای فردوسی

۱- سنوهر

انگار همین دیروز بود که آخرین ناقوس مرگ یک فرهنگ، که سالها بر بالین مرگ افتاده بود در میدان نبرد قادسیه بصدا در آمد.
طالع و احوال و روحیه این دلیران و گردنکشان (بقول فردوسی) را سالها قبل از آن ، تدوین کنندگان رنگارنگ "خدانامه ها" بشارت داده بودند.
باری تقدیر چنین گردید که دوره حماسی یک قوم با خود آن قوم زوال یابد. این سرنوشت و بخت و روز را بعدها فردوسی چنین فرموده کرد:

.....
که تا من شدم پهلوان از میان

چنین تیره شد بخت ساسانیان

چنین بیوفا گشت گردان سپهر

دژم گشت و زما ببرد مهر

.....
اما فردوسی هم که شاهنامه اش را بعدها به رشته تحریر در آورد پا بر جای پای خدانامه هانواده بود. به مانند گردآورندگان خدانامه دوره ساسانیان بر آن تصور و اعتقاد بود که چرخ تاریخ بر محور اشراف زادگان ، درباریان ، روحانیون و مغان میگردد. هر آنچه که در خلاف منافع آنان باشد محکوم و مطرود است.

اساساً در افکار حماسی وی جانی برای توده عادی و غیر اشرافی باقی نبود و این بازتاب حال و احوال آن دوره در روزگار ساسانیان بود. روحانیون مذهبی با دربار رو هم ریخته بودند و هر آنچه که با مردم مصلحت می دیدند میکردند. و همین ها پایه های زوال حکومت ساسانیان را فراهم آورد.

فردوسی در مقام یک روشنفکر، نویسنده و حماسه سرا، حافظ آن فرهنگی است که در آن فضائل انسانی بر پایه دلیری و شهامت سردارانی چون فرخزاده است. سردارانی که در میدان جنگ و نبردها در صیانت از تاج و تخت کیانی چه شجاعتها که از خود نشان میدادند. او حامل و مبلغ گر فرهنگ و تاریخی است که با کیومرث و طهمورث و جمشید آغاز میشود و با فریدون و ایرج و منوچهر رشد و بلوغ می یابد. کاووس و کیخسرو و رستم دوره غرور و افتخارات آن بشمار میآیند. بالاخره با خسرو پرویز ضعف و انحطاط و پیری آن فرا میرسد و با مرگ یزدگرد طومار آن در مقابل یک فرهنگ خاز از مرزهای شاهان در هم می پیچد. فرهنگی که دیگر نه بر پایه پهلوانی است و نه نشانی از شاه و اشرافیت دارد و محورش بر اساس برابری انسانها از هر رنگ و قشر قوم است و به همه از شاه و گدا بعنوان یک امت نگریسته میشود. بخشش و کرامت و تقوی و پرهیزکاری برای نزدیکی به خدا والاتر از هر معیاری بحساب می آید.

آری در این فرهنگ بر نشانه ای از تاج و اختر کاویانی نیست و در آن از رامشگران و جشن و سرورهای باشکوه پادشاهان ساسانی سراغی نمی یابی. در آن جهاد برای دین و بخاطر خداست نه برای نام و شهرت و مقام و درجه. در آن به جای مجلس شراب شاهی ، مساجد و تکایا با برجاست و دین اسلام بعنوان محور و محرک تاریخ بشمار می رود.

اما دیگر مردم این دریای خروشان و آتشفشان هر تفسیر و تحول تصمیم خود را گرفته است و می رود تا با جان و دل پذیرای آن گردد. نه تنها پذیرد بلکه در پیشبرد آن سهم عمده ای ایفا کند هر چند غیرایرانی و غیر آریایی هم باشد.

در این هنگامه است که مردم شهر و روستا به فراگیری آیات و احادیث قرآنی روی می آورند و با جان و دل مشغول یادگیری زبان اسلامی عربی هستند. فضلا و دانشمندان از بلاد و اطراف و اکناف توشه سفر می بندند تا هر جا شیخ و محدثی یابند با کلامشان دفتر خود را بیارند.

مردمانی که به زبانهای مختلف ایرانی صحبت میکنند دیگر زحمت بحث حول آنها را به خود نمی دهند. بازار فقه و کلام، منطق و فلسفه اسلام داغ

آردی ۲ - چی صحیفه ده



پهلوان... س. سیدوالی

معاصر دوره جنوبی آذربایجاندا ملی جنبش

(۲)

س. سیدوالی

آذربایجان ایالت انجمنی (ملی مجلس)

حرمتملی اوخوجولاریمیزا غزه تیمیزین کنچن نمره سینده "آذربایجان ایالت انجمنی" حاقدا بیر مختصر معلومات و تریب و اوچمله دن دنمیشدیر کی: "آذربایجان و ایراند، مشروطیت و آزادلیق ایله یا لارینسین یاییلماسیندا" آذربایجان ایالت انجمنی "نین بویوک رولی اولموشدور." و یشنه ده اورادا گلمیشدیر کی: "آذربایجان ملتی نین ملی جنبش نین معاصر شکیلده فورمالانماسیندا، بو اورگانین بویوک رولی اولموشدور."

اصلینده "آذربایجان ایالت انجمنی" ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ قمری، تبریز شهرینده تشکیل تاپمیش و ۵ ایل سونرا، ۱۳۲۹ - نجی ایلین محرم آییندا روس قشون لارینین هجومی و یشرلی مرتجع لرین انقلابچی لارا قارشی قانلی دیوان دوتماسی ایله، عمری سونا چاتمیشدیر. اؤنجه "ملی مجلس" آدلانسان بو اورگان، بیر پارا آنلاشمامازلیق لارا گۆزه آدی دییشیلیب و "آذربایجان ایالت انجمنی" اولموشدور. انجمنین تشکیل تاپماسی اصلینده ملی شورا مجلسینین بیرینجی دوره سنجگی لرینه نظارت اتله مک اوچون اولموشدور. لاکن تبریز و آذربایجانین انقلابچی لاری اونون تعطیل اولونماسینا مانع اولوب و سنجگی لردن سونرا بر انجمنی بیر حاکمیت اورگانینسا چشورمیشدیرلر. البته او دوره ایرانین بیر چوخ شهر لرینده مختلف انجمن لر یارانمیشدیر. لاکن بو شهر لرده آییق و هوشلی - باشلی انقلابچی لارین آز اولدوغو اوچون بونلارین بیر چوخی آز زاماندان سونرا تعطیل اولوب و اتله جه ده تاریخده اونلاردان بیر آدا قالمامیشدیر. حال بو کی "آذربایجان ایالت انجمنی" بو ۵ ایل عرضینده مشروطیت انقلابینین چیرینان اوره گی کیمی بو انقلابین غلبه چالماسی و ایره لی گیتمه سینده عرض سیز رول اوینامیشدیر. انجمنین فعال عضو لریندن کربلاتسی علی مسیو، حاجی رسول صدقیانی، حاجی علی دوا فروش، شیخ سلیم، سید حسین شریف زاده، آردی ۳- چی صحیفه ده

"آذربایجان سسی" بیر یاشیندا

حرمتملی اوخوجولار!

قزه تیمیزین الینیزده کی نمره سینین نشر ایله "آذربایجان سسی" آرتیق بیر یاشیندا اولور. دنمه لی دوز بیر ایل بوندان اول، هله "آذربایجان سسی" نین یاراتماسی حاقدا آغیر دارتیشمالار گنشدیردی.

نشجه کی بیر اوشاق آنادان دوغولوغو زامان اونون قوهوم، قارداش و اقربالاری سؤیوتوب و اونون حاقیندا چوخلو قایغی گؤستریر لر، بیزیم غزه تده عیناً ایله اولور.

"آذربایجان سسی" نین نشر ایله یاناشی، چوخلو دوستلار تلفن و مکتوب واسطه سیله اؤز سئوینج و آرزو لارینی بیلدیردیلر. اونلاردان بعضی لری اؤز تنقید، پیشنهاد، یازی و مادی کومک لريله، قزه تیمیزین گؤزل نشر و دولوغون اولماسینا یاریچی اولدولار.

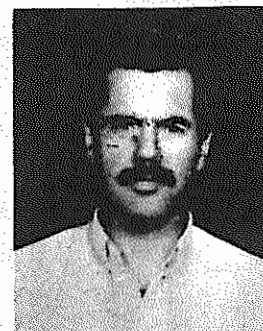
قزه تیمیزین بو گون پیس و یا یاخشی اولدوغوندا، اونون اوخوجولاری و اونو ایسته ین لرین بویوک رول لاری واردیر.

"آذربایجان سسی" نین امکدالاری بو نا اینانیر لار کی، بو قزه تین گله جک ده غنچه لنیب و هابشله چیچک لنمه سینه بوللو زامان و چوخلوامکانلار واردیر. هله اونون یازنین (باهارینین) باشلانقیچ گونلری دیر. بیلدیینیز کیمی قیش فصلی نین سون چاغلاریندا، یشره نفس گلیر، بوتون قارلار و بوزلار زیروه لرو داغلاردان اری ییب، آرخ اولوب ر چاپلارا قاتیساندان سونرا سوسوز اکین یشرلینی سواریب، سونرا ماوی دنیزه قوووشور.

بسی، بیزیم قزه ته ده هله اؤزونون آرخ اولان گونلرینده دیر. "آذربایجان سسی" نی سنوهر ن لرین هامیسی نین وجدان بورجودور کی، اونا لایقینجه کومک چی اولسونلار!

مرام عشقده ال چکک اولماز عهد و پیمانندان
کشچنمز عهد و پیمانندان عاشق ال چکه رجانندان

آجی خبر



آلدیقیمیز خبره گۆزه،
آذربایجانین آدلیم داغچی لاریندان
"حسین حراستی" و "عبدالحسین
عزیزی" قارشیلارینا چیخان بیر
حادثه ده هیمالیا (پامیر)
داغلاریندا ابدیته قوشموشدورلار.

"حسین حراستی" و "عبدالحسین عزیزی" باشقا بیر داغچی
وطنداشیمیز ایله موفقیتله پامیر داغینین ۷۵۰۰ متر لیک ذیره
سینه چیخیب، لاکن تاسف لر آردی ۳ - چی صحیفه ده

ایراندان، مکیله ده و دانشگاهلاردا، آذربایجانلیلار اوز دیلرینده اونونمک حاقینا مالک اولمالی دیولار!

است و مردم یا کنجکاو تمام دریای مباحث فرقه های مختلف اسلامی می نشینند. بدین ترتیب می رود در پایانه قرن دوم هجری ، زبان عربی تنها لسان آثار متور گردد.

هر گونه کوشش در اعاده فرهنگ سابق با شکست و ناکامی رودرست، در حالیکه حکومت های دیلمیان، سامانیان و آل فریغون و... محکوم به زوال هستند قوم تازه نفس ترک که بر فرهنگ نو لیک گفته در اندک زمانی تمام پستهای حساس سیاسی و نظامی را در بلاد اسلامی از آن خود ساخته ، این قوم که همه جا در خداینامه ها دشمن شماره یک آریانیان معرفی شده اند در همه جا حضور دارند و همه زمام امور را در دست گرفته اند.

در این میان تنها اقلیت کوچکی از این زیر دستی فرهنگی در رنج و عذاب هستند و اینها از بازماندگان اشرافیت و روحانیون با نفوذ قدیم هستند که دیگر آهی در بساط برایشان نمانده و به ناچار به گذشته و اساطیر قدیم پناه می برند و به جمع آوری داستانهای قدیمی قوم خویشند تا از آن داستانها و اسطوره ها بنای حماسی عالی بسازند.

ما در این برهه از تاریخ به دوران غزنویان رسیده ایم و سلطان محمود غزنوی ترک را شاهد هستیم که چگونه فردوسی را تشویق میکند و قول پادشاه میدهد تا وی رنج و زحمت سرودن شاهنامه را بجان بخرد تا سلطان بتواند دربار خود را با عتیقه های به یادگار مانده از گذشتگان بیآراید. بدین منوال فرزند فردوسی در دربار محمود دیده به جهان میگشاید و نامش را با جوازیه سلطان ترک "شاهنامه" می گذارند.

اما گویا تاریخ تکرار و مکررات هر آنچه روی داده میباشد و در آن تنها صورت و شکل شخصیتهاست که باید رنگ عوض بکنند.

دیگر این راز را بر کسی پوشیده نیست ، آن زمین لرزه ای که در بهمن ۵۷ در فلاتی به بزرگی ایران بوقوع پیوست برپایه و زمینه های قبلی و بر بستر شخصیت های شاهنامه ها (رضا شاه ها و محمدرضا شاه ها) و یکمک روشنفکران و حاملان فرهنگ فردوسی ها امکان و فرصت عینیت بخود گرفت.

سرنوشت و تقدیر را ببینید، سناریوی فیلمی را که فردوسی در آغاز قرن چهارم هجری (قرن دهم م) با کمک مادی و تشویق معنوی سلطان ترک مینویسد در قرن سیزدهم هجری (آغاز قرن بیستم م) برای اولین بار توسط کارگردانان پان ایرانیست منجمله : آخوندزاده ها، محمود افشارها، کسروی ها، اقبال ها، عارف قزوینی ها، بهارها و... بصورت فیلمی در می آید که در جامعه شورونستی و پان فارسیست پهلوی و آریامهری به معرض نمایش گذاشته میشود، جامعه ای که در آن آنچه که غیر رضاخانی، غیر آریا مهری و غیر فارسی بود به شلاق و شکنجه بسته میشد و مهر پان ترکیسم، تجزیه طلب و کمونیسم می خورد.

تقدیر و سرنوشت این سرزمین غیر از رویداد سال ۵۷، طور دیگری نمی توانست رقم بخورد.

امروز متأسفانه ترکان ایران را دیگر آن موقعیت دوره غزنویان نیست تا از آن امپراتوری قدرتمندی همچو سلجوقیانی سر بر آرد تا شاید دامنه سرحدات ایران را تا دریای مدیترانه برساند و در دامان خود ستاره شناسان، کیمیاگران، فیلسوفان، شاعران و نویسندگان بیپرواوند و دانشگاهها نی مثل نظامیه ها ایجاد نماید تا از همه عالم برای کسب دانش به آن هجوم بیاورند.

با اینهمه قوم پرستان فردوسی نما و شورونست های پهلوی پرست که آثار ترس آن دورانهابر جانشان هوداست، پروا ندارند گاه و بیگاه ناجوانمردانه به سراغ فحش و ناسازی خداینامه ها ، شاهنامه ها و پهلوی نامه ها بروند تا شاید آتش کینه خود پرستی خود را که قرن ها و سالها در دل انباشته دارند خاموش سازند.

با اندک مروری بر کتب، فصل نامه ها، هفته نامه ها و سخنرانیهای روشنفکران و این عالیجنابان در خارج از کشور، فضای مسموم سیاسی و روانی حاکم بر آنها را به عینه نشان میدهد.

این فضای قلمی که با زتاب یک بحران هویت بعد از چند دهه حاکمیت شورونستهای پهلوی را در خود نهفته دارد با تحولات دو دهه اخیر در ایران و بطور مشخص بعد از انقلاب اسلامی ۵۷، در خارج از کشور شدت یافته و وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود شده است .

گویا هر آنچه که در دوران سیاه آریا مهری بر سر ترکان ایران آوردند کم و یا کسری داشته که این روشنفکران به یادگار از آن دوران ، مسئولیت بنا گذاشتن سنگ تمام عیار بر آن را بدوش گرفته اند.

نگاهی مختصر و کوتاه به نشریاتی مثل کیهان لندن، نمروز، آژادگان؟!، کاوه و...، سخنرانیها و مصاحبه های همایونفرها، منوچهر صالحی ها، ارفع زاده ها و میرفطروس ها سند

مدعای ماست.

از اینان انتظار آن نیست که برسینه زخمی این ملت که بجا مانده از دوران بی مهر آریا مهران و . . . وقایعهای ۱۸ ساله فقیهان جمهوری است مرهمی مانند، بلکه شکوائیه آن است که اگر اندکی انصاف قلم بر باقی آنها مانده، مثل مرحوم آل احمدها آزاده باشند که در رعایت انصاف و حقوق ترکان و با شناخت منافع ملت فارس در زمان خود نوشت:

"..... از آغاز پیدایش مفهوم ملیت یعنی از اوان مشروطیت تا کنون ، حکومت تهران اگر نه از نظر سیاسی و اقتصادی ولی حتماً از نظر فرهنگی آذربایجان را مستعمره خویش میدانند و اولین نتیجه سوء این استعمار فرهنگی، کشتن فرهنگ ترکی در حوزه آذربایجان".

(در خدمت و خیرات روشنفکران، انتشارات رواق چاپ سوم ص ۳۱۸، ۳۰۴)

آدمی باید فقط خیلی خوش بین باشد تا تصور کند که انسان روشنفکر و متمدن نشین شده فرانسه، مثل آقای میر فطروس از روی عدم اطلاع کافی است که در فصل نامه بهار ۹۶ در مصاحبه خود مطرح میکند که :

"... هم رضا ... و هم محمد رضا شاه و... ایران را سربلندو آباد و آزاد می خواستند." (ص ۳۴ ، کاوه بهار ۷۵)

شاید تاریخ نویس جوان به همین جهت معتقد هست که:

"... او (منظور رضاخان) با روحیه ای نظامی و سرباز خانه ای درکی از آزادی و دموکراسی نداشت." (همانجا، ص ۳۱)

اما برای توجیه اعمال وی و شاید رسیدن به یک درک ملی و مشترک از تاریخ خودشان ؟ است که می نویسد:

"... در آن زمان از مشروطیت و آرمان های آن چیزی باقی نمانده بود تا رضاشاه آنرا تعطیل کند و یا از بین ببرد. شرایط حساس بعد از جنگ جهانی اول و..... فقدان امنیت فردی و اجتماعی، خودسری و استقلال طلبی خانها و سران عشایر مسلح (مثل شیخ خزعل، اسماعیل آقا سمیتقو و...) ، تحریک روحانیون مرتجع و خطر تجزیه ایران ، ، آنچنان بود که اکثریت مردم و بسیاری از روشنفکران ظهور مردی مقتدر و مثنی آهین را آرزو میکردند."

جملات آخر تحلیل گر شجاع ، ما را بی اختیار به یاد نوشته های کتاب "انقلاب سفید شاه" که حتماً آقای میر فطروس هم در دوران محصلی خود مجبور به خواندن آن شده است می اندازد. و الحق باید به حافظه قوی ایشان اجسنت گفت. لابد به تحلیل ایشان شرایط در روسیه فعلی،

استالین ها و در ایران آینده رضا خان ها را می طلبد!؟

و اما در مورد جنبش های استقلال طلبانه که وی با گذاشتن نقطه، نقطه از ذکر آنها به دلایل تاریخی نگری نوینش (شاید هم خواسته بقول خود شعور را اینبار در قالب شعار در ذهن خوانندگان بنشانند.) از ذکر آنها صرفه جویی کرده است باید مختصر اشاره ای کرد.

با پیروزی انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ سوسیال -دموکراتهای روس (بلشویسم) و تغییر توازن قوا در جرگه کشورهای امپریالیستی از سال ۱۹۲۰ تا ماه مه ۱۹۲۴، در آذربایجان (در بخش شمالی در سال ۱۹۱۸ م. اولین جمهوری ملی در شرق و آسیای میانه به رهبری م. رسول امین زاده ایجاد گردید که توسط بلشویک های سرخ با توجیه دیکتاتوری پرولتاریا بیرحمانه سرکوب شد.) ، گیلان ، ترکمنستان و خراسان جنبشهای جمهوری خواهانه ضد شاهی و ضد استبدادی، ضد استعماری پا گرفت که ملهم از شرایط عینی داخلی و تجریبات انقلاب ۱۹۰۶ م. مشروطیت و تحولات منطقه ای و جهانی بودند.

این جمهوریها، در آذربایجان با نام جمهوری "آزادستان" به رهبری آخوند، فیلسوف و انقلابی توانا شیخ محمد خیابانی، در گیلان با نام "جمهوری سوسیالیستی" به رهبری میرزا کوچک خان، در ترکمنستان با نام "جمهوری" (که در ماه مه سال ۱۹۲۴ عثمان آخون به رهبری آن انتخاب شد) ایجاد شدند. در خراسان آذربایجانی مشهور محمد تقی خان پسیمان که دوران افسری ژاندارمری خود را در آلمان به پایان رسانده بود رهبری جمهوری آزادخواهانه و دموکراتیک ضد انگلیسی را در دست داشت .

این جنبشها، به علل مختلف از جمله فقدان ارتباط ارگانیک و هماهنگ با یکدیگر، برخی نارسائیهای جدی و عینی در شرایط اجتماعی آن دوران ، دسیسه و کودتای انگلیسی رضا خان و توطئه امپریالیسم معظم انگلیس که به سبب خطر جدید سرخ ، ماهیت ملی و دموکراتیک آنها را در تناقض با منافع دراز مدت خود در شبه قاره هند می یافت با شکست مواجه گردیدند.

مصاحبه گریبا حالت تعجب و سرزنش می پرسد که:

"..... واقعا چگونه می توان قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را آنقدر عمده کرد که نقش برجسته و تعیین کننده قوام السلطنه و محمد رضا شاه در نجات آذربایجان را (در آذر ماه

۱۳۲۵) فراموش کرد؟ (همانجا، ص ۳۲)

با این وجود همدل و همیارایشان یعنی آقای مصباح زاده در کیهان لندن شماره ۴۳۵ بر خلاف آقای میر فطروس افتخار این به اصطلاح نجات را از آن مردم میدانند:

" باید پذیرفت که پیش از آنکه واحدهای ارتش دلاور ایران در آن روزهای سال ۱۳۲۵ به آذربایجان برسند، خود مردم این سرزمین ایران دوست و ایران خواه بساط حکومت دست نشانده را در هم پیچیدند."

نخبر آقایان، گوش مردم و روشنفکران صدیق این ملت سالهاست که از این مزخرفات وجعلیات آریامهری و ساواک مابانه پر است. واقعیت این است که در این روزها فرماندهی کل عملیات در سرکوب مردم بی دفاع با آمریکائی ها و واحدهای رنجر آمریکائی و با شرکت ارتش شاهنشاهی بود. همین رنجرها و سربازانی که امروز با مجوز شیوخ و دلارهای نفتی عرب منطقه در خلیج فارس و اطراف آن مثل مور و ملخ می پلکند و شما اینبار به اجبار در غرب از وجود آنها بطرق رسانه های جمعی آگاهی می یابید.

آری در چنین روزی که شما بنام نجات (صد البته نجات شورونسیم فارس، استبداد و منافع آمریکائی) آذربایجان مینامید هزاران نفر ترک آذربایجانی به قتل رسیدند و یا زندانی گشتند، اموال و ناموس آنها مورد تجاوز قرار گرفت و هزاران آذربایجانی نیز مجبور به جلای وطن شدند.

آقای میر فطروس می نویسد:

" در واقع تاریخ و زبان دو قلعه تسخیرناپذیر و پناهگاه مردم ما در حملات و هجوم های اقوام مختلف بود." (همانجا، ص ۲۳)

جهت مزید اطلاع جنابعالی باید به عرض برسانم که، نظریه پردازان پان فارس های رضاخانی با برداشت شورونستی و قوم گرایی از تاریخ و زبان ملل در ایران بود که سیاست نابودی زبان ترکی را در ایران پیش میبردند. جلال آل احمد در انتقاد از روشنفکران و دست اندر کار قدرت مدار پهلوی نوشت:

" اکنون چهل و چند سال است که تمام کوشش حکومت های ایران نه تنها بر محدود کردن، که بر محو زبان ترکی است. آنرا آقیری نامیدند، زبان تحمیلی نامیدند، اسم شهرها و محله های آذربایجان را عوض کردند... کارمند ترک را به نواحی فارس نشین و بعکس فرستادند اما هنوز که هنوز هست کوچکترین موفقیتی در از بین بردن زبان ترکی نداشته ایم. علاوه بر این موجب نوعی نفاق مخفی هم شده ایم در رفتارشان نوعی رفتار استعماری است که نه بر اساس تفاهم دو جانبه بلکه بر اساس ترس و بیگانگی مستقر شده است." (همانجا، منبع قبلی)

ما نتیجه و قربانیهای این سیاست فرهنگی را از شادروان غلامحسین ساعدی (یکسال قبل از مرگش) چنین می شنویم:

" من آذربایجانی ترک زبان مجبورم به فارسی بنویسم، چرا که مجبورم زبان من قدغن بوده و من در این سن و سال خود را بی هویت حس می کنم." (مصاحبه با ایرانشهر، آوریل ۱۹۸۳)

بالاخره خواننده صبور مصاحبه جناب میر فطروس طولی نمی کشد و پی میرد سراو به کدامین آخور بند است و خانه فکری ایشان نیز از کدامین پای بست ویران است. بشنوید:

" تاریخ ایران ، در مجموع تاریخ ایل ها است نه تاریخ آل ها." (همانجا) وی آرزو میکند ای کاش تاریخ ایران تاریخ آل ها می بود زیرا بنظر او: " (مثلا) در عصر سامانیان، آل زیار، و آل بویه) ما شاهد رشد شهرها و رونق تجارت و صنعت تاریخ و ادبیات بوده ایم." (کاوه بهار ۷۵ ص ۲۲)

او ادامه میدهد که:

" هجوم بیابانگردان و گوسفند چرایان غزنوی، سلجوقی، آق قویونلو ها، قره قویونلو ، صفویه و..... که بسیاری از پادشاهان شان حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند - باعث گسست در روند تکاملی جامعه ایران گردید." (همانجا)

ای کاش این تاریخ نویس باسواد ما؟ زحمت بخود میداد و به همان اسناد دستبرد زده شده در دوران پهلویها مراجعه می کرد و تعداد علما، دا نشمندان ، محققین، تاریخ نویسان، نویسندگان و شعرا را در دوران تاریخ ایل ها را با آل ها مقایسه مینمود و با آمار و ارقام از وضعیت کشاورزی، تجارت، صنعت و اقتصاد آل ها را تنها فقط با دوره سلجوقیان و صفویه رو ترازو قرار میداد و آنگاه بی کلاه به قاضی نفریفت. لابد آل ها بدون ترکان ایران می خواستند به تمدن و پیشرفت امروزی تاجیکستان و یا افغانستان برسند!؟

اصلاً معلوم نیست که اگر بفرض ، بنا به آرزوی این تحلیل گر تاریخ؟! تاریخ بقول ایشان ایل ها را بر دارند چگونه می تواند تاریخ ۲۵۰۰ ساله آل ها را سر هم بندی کند و با تکیه بر غرور و افتخارات آن ، عمری در خیال و خمار بسر کند؟

پس بیهوده نیست که پا بر جای پای فردوسی نهاده است. □

میرزا محمد علی خان تربیت ، جعفر آقا گنجی و سایر... کیمی آسودلی انقلابچی لار ، اوز دورلرینین ان آییق و قاباقجیل ضیالی لاری اولموشدور لار . اوزی و بوتون خانواده سی انقلابین قربانلاری اولان کریلانی علی مسیو کیمی انقلابچی لارین بو انجمنین یارانیب و قورونماسیندا اونلار دیق لاری رول هنوز دا دیل لر ازیری دیر .

اساسدا انجمنین یارانماسینین مهم بیر علتی ایران کیمی چوخ ملت لی اولکه نین اوزونه مخصوص شرط لرینی نظرده توتوب و مرکزی حکومتین وظیفه لرینین بیر قسمینی بو کیمی یئرلی تشکیلاتلار تاپیشیرماق اولموشدور . دشمک اولارکی ایالت انجمنینین یارانماسی ایله عمومیت له بوتون ایراند و خصوصی ایله آذربایجاندا ملی مسئله و اونون دوزگون حلی اورتایا چیخیشدیر . ائله بو اساسدا دا " آذربایجان ایالت انجمنی " او زمانکی اساس قانونون متممی نین تصویبی و حیاتی کسچیریلمه سینده تاریخی رول اوینامیشدیر . بیلدیمیز کیمی بو متمم ، ایالت و ولایت انجمن لرینین فعالیتی حاقد ا یازلمیش دیر . اساس قانونون متممی نین ۲۱ - نجی ماده سینده بئله یازلمیشدیر :

" ایالت و ولایت و بلوک لارا مخصوص اولان ایش لر ، ایالت و ولایت انجمن لری واسطه سیله یارانان قانون لار لا قاباغا آپاریلمالیدیر . " دشمنه لی ایالت و ولایت انجمن لری ، یئرلی بیر مجلس کیمی قانون یارادیب و بو قانونلاری حیاتی کسچیریمک حاقینا مالک اولموشدورلار . باشقا دیل ایله دشمک ، بو قانون ایران دا بیرینجی دفعه فدرال بیر سیستم یین بینوره سینی قورموشدور . و ائله جه ده هرگاه بو قانون حیاتی کسچیریلسه یده ، مشروطیت انقلابیندان سونرا ملی ظلمه قارش ی گنده ن مبارزه لده توکلن چوخلی نا حاق قائلارین قاباغینی آلماق اولاردی . هر حالدا " ملی مجلس " نین یارانماسی و اونو قوروماق اوچون آپاریلان مبارزه لده خالقیمیزین ملی شعورو فورمالانیش و یواش - یواش بو گونکی شکیلینی آلمیشدیر .

مشروطیت قانونونین مظفر الدین شاه طرفیندن امضالانماسی ، انقلاب طرفدار لارینین بیر چوخوندا بویوک امید لر یارادیب و اولار ایالتین قطعی غلبه سینده اینانیدر میشدیر . لکن آذربایجان ملتی ایالت انجمنینین رهبر لیگی ایله اینانیر دیلار کی : " حق ویریلمه لی یوخ ، آیینمالیدیر . " بو نا گوزه ده انجمن دایانمادان گنج انقلابین نائیلیت لرینی قوروماق اوچون خالق سرفر اندید و مجاهد لر دسته سی یاراتمیشدیر . تهراندا اوتوران بیر پارا سونرادان " انقلابچی " اولان آقار ، آذربایجانلی لاری لاغا قویوب و اولار ی بو کیمی فایدهسین ایشلردن ال گؤتورمه گه چاغیر میشدیرلار .

یثنی یارانمیش پارلمانین محمد علی شاهین فرمانی ایله قزاق لار طرفیندن بمباردمان اولونماسی آذربایجانلی لارین حاقلی اولدوقلارینی ثبوت ائتمیشدیر . بو حادثه دن سونرا " آذربایجان ایالت انجمنی " تبریز و آذربایجانلی مشروطیت و انقلابین سننگرینه چنویر میشدیر . ملی سرداریمیز ستار خانین تبریزده آغ بایراقلاری ووروب بیخماسی و انقلابا یثنی روح وئر مه سی هامیمیزا آیدین دیر . محمد علی شاه روس دولت یثنین حمایه سی ایله ایرانین بوتون مرتجع لرینی و اوچله دن بویوک توپراق صاحب لرینی تبریز انقلابچی لارینین علییه سفر بر اندید و بو مظلوم و یالقیز شهرین او ستونه اون مین لر قشون گونده رمیشدیر .

تبریز لی لرین ۱۱ آیلیق مدافعه لری بشریت تاریخینین قیزیل صحیفه لریندن بیر یاری حساب اولونور . یالنیز و کمک سیز تبریزین اون قات اوزوندن اوستون قوه لره قارش ی موقیبت له مبارزه سی ، ایکینجی دنیا محاربه سینده استالینگراد شهرینده روس ملتی نین فاشیست لره وسون زمانلارادا بوسنی ملتینین صریله قارش ی قهرمانجاسینا مدافعه لرینی

یادا سالیر . بو یاددان چیخیلماز گونلرده آذربایجان ملتی یین گله چک مبارزه لرینی رهبرلیک ائنده ن قهرمانلار بویا باشا چاتمیشدیرلار . تأسف لر اولسون کی " ایالت انجمنی " نین بو قورخونج و مایوس اندیجی گونلر و آیلاز دا باجاریقلا خالق ی سفر بر اندید و مدافعه نین اورگانیزه ائله مه سینده ارنیادیجی رول لازیمی قدر آراشدیرلما میشدیر . امید اندیریک کی آذربایجانین وطن پرور ضیالی لاری بو مهم ایشی بیر گون باشا چاتدیرا بیلسینلر . یاددان چیخاریلماالی دیر کی " آذربایجان ایالت انجمنی " نین یارانماسی معاصر دوره خالقیمیزین ملی - آزادلیق مبارزه سینده بیرینجی آددیم حساب اولونور .

ایالتی انجمنین داغیلماسی خالقیمیزین باشینا گلن کدرلی حادثه لریندن بیر ی ساییلیر . هر گاه مشروطیت انقلابی نین تاریخی نی واراقلاب و محمد علی شاهین سلطنت دن خلع اولوب ، اونو اوغلونون تخته چیخماسیندان سونرا باش وئر نه حادثه لره دقت له یاناشماق ، گوزه ریک کی اونون آرادان گئتمه سی هیچ ده گوزله نیلمز بیر حادثه اولمامیشدیر . ستارخان و باقر خانین مرکزده اوتوران اریستوکرات دولت آداملارینین توطئه لری نتیجه سینده تبریز دن اوزاقلاملاری ، دقت له حاضر لانیس پلانین بیر حصه سینی تشکیل ائدیر دی . دشمنه لی انقلاب پالتارینی گئیینن مرتجع لر و مشروطیت انقلابینین گئندیشاتیندان قورخوسا دوشن بویوک تورپاق صاحب لری و اولناری حمایه ائنده ن انگلیس و روس دولت لری انقلاب " اویون " ون دان یورولوب ، بو اویونا سون وئرمک ایسته میشدیرلر . سردار ملی ستارخان و سالار ملی باقرخانین تبریزدن اوزاقلاشماسی تبریزده بولونان روس قشون لارینین ال لرینی آچمیش و اولنار ، یئرلی مرتجع لر ایله بیر لیک ده زامانی " ایالت انجمنی " نین کؤکینی قازماغا مناسب گؤرموشدیرلر . بولنار تبریزده کؤتول لری سئوه ن آدمی توتور ، اولدورور و خالقین قیز و گلین لرینه تجاویز ائدیردیلر . بو ایش تبریزین غیرت لی اهلینه چوخ آغیر گلیدی . بیر حالدا کی بو افتخارلی شهر مشروطه نین آکینماز قالاسی آددلانمیش و تبریزین مجاهد لری مشروطه انقلابینین قانلی و قورخولو دویوشلریندن آنلی آچیق و غالب چیخمیشدیرلار ، روسلارین بو اوز باشینا لیغینا قطعی اولاراق اوزون زمان دؤزمه یه چک ایدیرلر . شمسی ۱۲۹۰ ، ۲۹ آذر گونی روس قشونی طرفیندن تبریز شهرینی سینده بیر مجاهدین اولدورولمه سی ایله خالقین صبر کاساسی داشیب ، و اولدار دیارینین پایتختی حساب اولونان انقلاب لار شهری تبریزده اشغال چی قشون علییه قیام شعله چکمشدیر . تبریز مجاهد لری مستملکه لرینده آتالیق ائله مگه آلیشمیش روسلارا ایک ی گون عرضینده بیر یاددان چیخامایان درس وئردیلر . ایله کی اکتبر انقلابینین غلبه سیندن سونرا وطن لرینه گئری دونن روس قشون لاری تبریزی لر ایله اوز به اوز گلیمک اوچون بو شهردن اوزاق گزیدیرلر . کسروی نین " آذربایجانین ۱۸ ایلیک تاریخی " کتاییندا اوخویوروق : " هر کیم غیرت و ایگیت لیگی گؤرمک ایسته بیردی ، گر که بو گون تبریزده اولاندی . شهرین اهالیسی بوتون عصیان ایدیب و مجاهد لر اولوب و اولدوروردیلر ... روسلار هر گاه بیر نفر اولدورسیدیرلر ، اون نفر بلکه ده ایگیری نفر تلفات وئریردیلر ... بیله لیک له ایک ی گون عرضینده روسلاردان مین نفره یاخین قزاق اولوب و یوز لر جه سالدات یارانمیشدیر . لکن تأسف لر اولسون کی تبریز و آذربایجان یئنه ده مرکزی حکومت طرفیندن آلهین آمانینا بوراخلمیشدیر . تهران دا اوتوران آقارلار تبریز لی لره یاردیم عوضینه تلگرف ، تلگرافین دالیسجا گونده ریب و اولناری ساواشدان ال گوتوروب و سلاهلارینی روس قشون لارینا تحویل ویرمه یه چاغیریدیلار . عار اولسون بیله بیر حکومته !! آذربایجانین ایالت انجمنی آذربایجانلی لارین یالقیز

اولدوقلارینی گوزوب و یاخشی بیلیر دی کی مرکزده اوتوران ، وطنه خائن آنکولفیل و روسفیل سیاست چی لردن بو خوف لی گونلرده هئج بیر یاردیم گوزله مک اولماز . وعین حالدا گوزور دی کی یالنیز آذربایجانلی لارین گوجی ایله دنیانین بویوک قدرت لریندن بیر ی حساب اولونان روسیه ایله اوزون مدت محاربه آپارماق ممکن دئییل ، بو اساسدا آرتیق قان توکولمه یین قارش ی سینی آلماق اوچون مجاهد لردن ایسته دی کی شهری ترک ائتسین لر . بئله لیکله تبریز اهالی سینین دایاغی حساب اولونان مجاهد لر شهری ترک ائدیب عثمانلی توپرقلارینا سیغینماغا مجبور اولموشدولار . شهری ترک ائنده ن مجاهد لردن بیر ی ده " آذربایجان ایالت انجمنی " نین یولونا دوام ائنده ن " آزادستان حکومتی " نین رهبری شیخ محمد خیابانی اولموشدور . میلادی ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ - نجی ایللرینده آذربایجان مجاهدلری و انقلابچی لارینا توتولموش دیوان گرک هیچ زامان آذربایجانلی لارین یادداشلاریندان سیلینمه سین . بو بیر ایل عرضینده نه تکجه روسلارین علییه ال لرینه سلاح آلیب دویوشن مجاهد لر او جمله دن آذربایجان ملتی نین بویوک شهید لری محمد ابراهیم قفقایچی ، یوسف حکم آبادی ، ستار خانین قارداشی اوشاقلاری کریم خان و محمد خان ، حافظ افندی ، میرزا آقابالا خیابانی ، کریلای علی مسیو نون ایک ی جاوان اوشاقلاری و یوز لر مجاهد روسلار و اولنارین ال آلتیسی صمد خان شجاع الدوله نین طرفیندن اعدام اولوندی بلکه آذربایجانین بویوک متفکر لری و مشروطه انقلابینین تشوری سین لری و عین حالدا ایالت انجمنی نین عضو لری حاجی علی دوافروش ، شیخ سلیم ناطق ، ضیا ، العلسا ، آقامیرزا محمود سلماسی ، ثقة الاسلام ، شیخ الاسلام حاجی میرزا عبد الامیر ، آقا میرزا علی ویجویه ، میرزا حاجی آقارضا زاده ، صادق الملک ، مشهدی ابراهیم تاجر و میرزا احمد سهیلی ده بو گئری چی قوه لرین طرفیندن آرادان آپاریلیمیشدیر . او زامان مصرده چیخان " حکمت " روزنامه سینین یازدیغی نا گوزه بیرینجی ۹ آیدا اعدام اولونانلارین سای ی ۲۴۳ نفریدی . " ادوارد براون " تبریز دن گلن مکتوبلار " کتاییندا یازیر : " روسلار دار آغاج لارینی قوروب ، روسیه پرچی ایله بزه ییب و دسته - دسته انسانلاری وطن لرینی دشمنلاردان قوروماق جرمینه آسیدیلار . " همان آدینی چکدیمیز کتاییندا شجاع الدوله نین " رشادت " لری حاقد ا یازلمیشدیر : " شجاع الدوله خالق ی زندانا سالیر ، شکنجه وئریب دارا آسیر . بوغوب ، خنجر ایله اولدورور ... بعضی لرینی قویون کیمی شقه له دی و مشروطه چیلرین آغیز لارینی تیکیب ، آباقلارینا نال چال دیریب ، کوچه لرده گزیدیری .

بئله لیک له محمد علی شاهین حامی لریندن حساب اولونان بویوک ملکه دار شجاع الدوله تبریزین مجاهد لریندن یئدیگی سیللی لرین آجیغینی آچمیشدیر . تهراندا ستار خانین یارالاتیب ، سونرا اولمه سی و تبریزین دوزگون و هوشلی - باشلی مجاهد لردن بوشالماسی ، " آذربایجان ایالت انجمنی " نین آرادان گئتمه سی ، تهراندا دون ده بییشیب مشروطه جیلدینسه گیر ن مرتجع لری جری لندیریب و اولنار مشروطه نین اولوب - قالان اترلرینی ده آرادان آپارماغا موفق اولموشدولار .

بو ترور و تضییقات نتیجه سینده " آذربایجان ایالت انجمنی " نین عمری سونا چاتمیشدیر . بئله لیک له آذربایجان خالق ی ملی - آزادلیق مبارزه و ساواشینین بیر جبهه سینده مغلوب اولسادا ، تسلیم اولماییب و اوزونون قوه لرینی بیر یئره توپلاییب ، یثنی دن آیاغا قالمیغا چالیشمیشدیر . خالقیمیزین یثنی قانیشی بو دفعه اوزیسی شیخ محمد خیابانی نین رهبر لیگی آلتیندا یارانان " آزادستان حکومتی " یئنه گؤستر میشدیر . " آزادستان حکومتی " نین خالقیمیزین ملی مبارزه سینده اوزونه مخصوص مهم بیریرر دوتماسی هئج ده تصادفی اولمامیشدیر . چونکی بو حرکات ایله آذربایجان ملتی نین ملی جنبشی یثنی کیفیته مالک اولموشدور . بو قانیش دان سونرا آذربایجان ملتی نین ملی ایستک لری داه ا آیدین شکیلده اورتایا چیخمشدیر . غزه تمیزین گله چک نمره سینده بو حرکاتی داه ا اطرافلی آراشدیرماغا چالیشاچاییق . **آردی وار**

آجی خبر ...

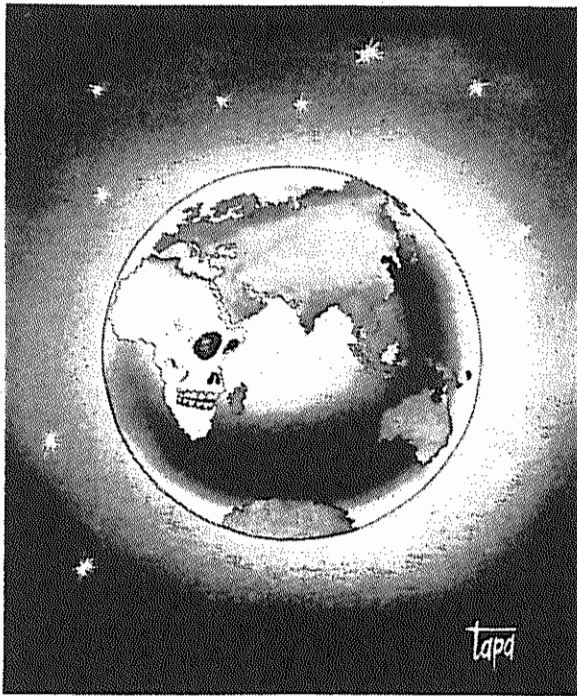
اولسون کی گئری دونن زامان " عبدالحسین عزیز ی " درین بیر اوچوروما دوشوب و وفات ائتمیشدیر . آذربایجانین غیرتلی اوغلی " حسین حراستی " یولداشینین جنازه سینی داغدا بوراخماق ایسته مه میش و جوی شرط لرین آغیر اولدوغونا باخایاراق اونو اوچورومون درین لیک لریندن چیخارتماق ایسته میش دیر . لکن اونون هر زامان آزادلیق و آذربایجان عشقی ایله چیرپینان اوزه گی بو فاجعه یسه دؤزمه میش و دایانمیشدیر .

حال حاضر دا آذربایجان داغچی لارینین ایسته گی و فعالیت لرینه رغماً ، جوی شرط لردن آسیلی اولاراق قهرمانلاریمیزین جنازه لری هله پامیر داغلارینین ذیروه لرینده بولونماق دادیر .

" آذربایجان سسی " امکداشلاری نامینه بو ایک ی وطنداشین خصوصیه عزیز دوستوم ، گوزل انسان و غیرتلی آذربایجانچی " حسین حراستی " نین وفاتینی بوتون وطن پرور آذربایجانلی لارا و بئله بیر ایگیت لری بویودوب ، بویا - باشا چاتدیران آتا و آنا لارینا تسلیمت دئییره م . □

مقدس قارین

سن ای قیرمیزی گوزلو آنا،
سن ای قهر اندیب یارادان،
سن ای کۆپرو آلتیندا سولار لا یان یانا
باتان .
سن ای یانقیغلی میدانلارین سسی...
سن ای قارداشیم ،
سن ای قهر اولاسی ،
سن ای دار آغاچلیق ،
سن ای
هر شتی ،
سن ای آجلیق!!!
چیلاک یاغالارینا آلتیمی قویار
آند انده ریم کی ،
دتریم کی :
دویوشه جگیم ،
منیم ، بیزیم ، اونون ، اونلارین دشییل
سستیمن مقدس قارنن دویانا قدر...



دنیامیز... ت. ابراهیم

ع. سلاهی

منیم دوشانیم

منیم بالاجا بیر دوشانیم وار . قارا مرمر کیمی توک لری ، ایشیقدا ایکی ایری قرمیزی مونیوفا بئنه
ین گۆزلی وار . دورد ایل اؤنجه اونو ائویمه گتیره نده آدینی اؤیره ندیم ؛ دئدیلم " سزار " دیر آدی . اونون
آدینی دیشیب اؤز آدلاریمیزدان قویماق ایسته دیم . آنجاق تئز ده بوندان واز کئچدیم . بونا گۆزه کی ، او
آرتیق اؤز آدینی تانی بیردی و آدینی ائشیده نده بیلیردی کی ، اونو چاغیریرلار . من ده بو بالا جا و گۆزل
حیوانی چاشدیرماق ایسته مه دیم . مادام کی آدینی بیلیرسه قوی ائله " سزار " قالسین دئدیم . ماراقلی
بوراسیندا دیر کی ، بیر گون اونو حکیمه آپاردیم . حکیم اونو یوخلاییر کن گوله ره ک دئدی کی ، سیزین
دوشان " سزار " یوخ ، اصلینده " کئلو پاترا " دیر . آما او منیم اوچون " سزار " اولراق قالدی .
منیم یانیمدا اؤز دلیمیزده دانیشان آدم یوخدور ؛ من تک یاشاییرام . هر دن بیر اوشاقلاریم یانیمدا گلیر
لر و من آنجاق اونلارلا اؤز دلیمیزده دانیشا بیلیرم . هر دن بیر وطنداشلاریمیزین گۆروشه گئدیردیم .
اونلاردان دا بیر چوخو بیر دفعه لیک " ترکه خر " اولماق عاییببندان قورتولماق اوچون اوشاقلارلا فارس
دیلینده دانیشماغا باشلادیلار . من ده اونلارین خئیرندن بیر دفعه لیک کئچدیم . البته آز اولسادا بیزیم
دلیمیزده دانیشان اوشاقلاری دا تانی بیرام . من ایکی بالاجا قیز اوشاغینی تانییرام ، بیرینن آدی " دومان " و
او بیرینن آدی " سئودا " دیر .
من اونلاری ائشیده نده اوزون ایل لر محکوم اولدوغو دیل سیز لیکدن قورتولان " رومسون کروزو " کیمی
جانلایب منیم دلیمده دانیشان اوشاقلارا قوشورام . آنجاق بو همیشه لیک ممکن اولمور . من تک یاشاییرام .
و منیم یانیمدا منده ن باشقا بیر جانلی وارسا اودا منیم بالاجا دوشانیم " سزار " دیر . آنجاق بالاجا بیر دوشان
آداملارین دیلینده نئجه دانیشا بیلر ؟ بونا باخماقاراق ، من اونا بیر نئچه اؤز سؤزلریمیزدن اؤنره تمیشم .
من هر گون یوخودان اویاترکن الیمده بیر تیکه آلما دوتوب اونو چاغیریرام ؛ " گل سزار ، گل ! " او بیلیر کی
من اونا آلم وئرمک ایسته بیرم . او هویپانا - هویپانا گلیب منه چاتیر و الیمین ایچینده دوتوغوم آلمانی
یئمه یه باشلاییر . او هر دن کتابلاریمی دا یئمه بیر . بیله حال لاردا سسله نیره م ؛ " یوخ ، سزار یوخ ! " او
آنلاییر کی کتابی یئمه مه لی دیر . بونلاردان باشقا بیر نئچه سؤزه اؤیرتمیشم اونا بئله لیک له ، منیم
بالاجا دوشانیم منیم له یاشایان بیر وطنداش اولوب منه . او منیم دیلینده دانیشا بیلمه سه ده اونا اؤنره تدی
بیم سؤزلرله اونو چاغیریرام ، او نه دئدی بیمی باشا دوشور . من البته بیلیرم کی ، بوقدر فارسلاشان
آذربایجانلی نین قارشیسیندا بیر دوشانا بیر نیچه ترک سؤزو اؤنره تمک نه قدر گولمه لی دیر ! آنجاق بونو
دئمک ایسته بیرم کی بیر دوشانلا بیر نئچه کلمه اؤز دلیمیزده دانیشماق منیم اوچون فارسلاشان آذربایجانلی
لار لا فارس دیلینده دانیشماقدان داها خوشدور .

آذربایجان عاشیق شعری

غزه تیمیزین بو ساینندان اعتباراً اوخوجولاریمیزلا ، خصوصاً شعر صنعتیله ماراقلانان
وطنداشلاریمیزلا آذربایجان عاشیق شعر ، ائله جه ده اونون شکیل لری حاقدا دانیشماق ایسته بیریک .
یئری گلمیشکن خاطرلئصاق ایسته بیریک کی ، بیزه گۆنده ریلن بیر چوخ شعرلرده " قافیه "
چاتیشمامالیزی گۆزه چارپماقدادیر .
بیزچالیشاجایق کی ، یئری گلدیکده ، شعرده چوخ اهمیتلی رولو اولان " قافیه " و سایر حاقدادا
دانیشماق . امید ائدیریک کی باشلادیغیمیز بو صحبت فایداسیز اولماسین .

گرایلی:

عاشیق شعرین سادده و اویناق و گۆزه ل شکیل لریندن بیریدیر .
بو شکیل اساساً ۵ و ۳ بنددن عبارت اولور .

هر مصراعدا هجلا رین سانی ۸ دیر . قافیه سیستمی بئله دیر : آ - ب - و - ب ، ق - ق - ق - ب - ب ،
د - د - د - ب و سایر .

عاشیق خسته قاسیم دان بیر نمونه :

نه باخیر سان مارال گۆزلوم
منه بیگانه لر کیمی؟!
دوروب دولانیم باشینا
شاما پروانه لر کیمی .

گل گنده ک چین و ماچینا
حسرتم اوزون ماچینا
آل منی قوینون ایچینه
ایسته ک لی بالالار کیمی

دوست قاپی سیندا دوستاغام
تئل لرینه چوخ مشتاغام
یار الیندن دویون - داغام
داغداکی لالا لر کیمی .

خسته قاسیمین بو گرایلی سیندا ، بیرینجی بند ده : بیگانه لر کیمی ، پروانه لر کیمی ، ایکینجی
بند ده : ماچینا (یئر آدی) - ماچینا (اویوش) - ایچینه ، اوچونجو بند ده ایسه : دوستاغام -
مشتاغام - داغام قافیه دیر لر .

هر اوج بندی ایسه بیر - بیرینه باغلایان قافیه لر : پروانه لر کیمی - بالالار کیمی - لالا لر کیمی دیر .

کور اوغلی دان :

گۆندن گندن ، بئش دورنالار ،
بیزیم ائل لئس یئرینده می ؟
بیر - بیریندن خوش دور نالار ،
بیزیم ائل لر یئرینده می ؟

صحت اولور رده سازینان
اؤردک اولورده قازینان
نئچه اینجه بئل قیزینان
طوسی دیل لر یئرینده می ؟

بیرینجی بند ده بش - خوش قافیه ، دورنالار - دورنالار ردیف ، ایکی دفعه بیزیم ائل لر یئرینده می
قافیه دیر .

ایکینجی بند ده : سازینان - قازینان - قیزینان قافیه ساییلیر .
و نهایت بیرینجی بندی ایکینجی بنده باغلایان ائل لر - دیل لر قافیه و یئرینده می - یئرینده می
ردیف حساب اولونور .

باش قایناق : " آذربایجان شفاهی خالق ادبیاتی "

" پ - افندیف "

آچیقلاما

قزه تیمیزده بوتون یوردداشلاریمیز یازی حاقینا مالیک دیلر . آنجاق
یازیلارین مسئولیتینی یازچییلار داشتیئر .
گۆنده ریلن یازیلار ایکی صحیفه (A4) دن آرتیق اولمامالییلار .
یازیلارین مضمونونا توخونماق شرطی ایله اونلار رشداکته
اولونماقتلار .
گۆنده ریلن مطلب لر گئتری قایتاریلمایاجاق و بیرینجی نؤیه ده باشقا
یئرلر ده نشر اولونمامیش یازیلار چاپ اولونماقتلار .

بانتک نمره سسی	Postfach 450121
Konto Nr.058065	50876 Köln
KSK Köln	Germany
BLZ 37050299	

باباتی

عزیزیم نار آغاجی

اکبرم نار آغاجی

نامرده باش ایبه ره م

قورولسا دار آغاجی